

نه داستان

نویسنده: جی. دی. سلینجر

ترجمه: آسیه شهبازی



سرشناسه: سالینجر، جروم دیوید، ۱۹۱۹ - ۲۰۱۰ م.

(Salinger, J. D. - Jerome David)

عنوان و نام پدیدآور: نه داستان / نویسنده: جی. دی. سالینجر / مترجم: آسیه شهبازی

مشخصات نشر: تهران: آوای مکتوب، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۲۴-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Nine Stones

یادداشت: واژه‌نامه

موضوع: داستان‌های کوتاه آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه فراداده شهبازی: آسیه، asieh, shahbazi, ۱۳۶۶، مترجم

ردیف‌بندی آکبر: ۱۳۹۳/۹ کتاب PS۵۲۵

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۹۴۳۹

نام کتاب: نه داستان

نویسنده: جی. دی. سالینجر

ترجمه: آسیه شهبازی

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۶۴-۲۴-۶

صفحه‌آرایی: تجربه آوای مکتوب

ناظر فنی چاپ: سید یاشار بنی‌هاشمی حامنه

آوای مکتوب



کلمه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۴۱۵ و ۰۲۱-۷۷۹۷۳۸۷-۹۱۲

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۵	روزی خوش برای صید روز ماهی
۳۳	عمو ویگینی در کالکشی کات
۵۵	پیش از جنگ بالاسکیموها
۷۳	مرد خندان
۹۳	درون فایق کنار اسکله
۱۰۷	برای اسم، با عشق و بلشتی
۱۲۷	نوشین دهان و سزینه چشمم
۱۵۳	دوران غمگسار دامیر اسمیت
۱۹۱	تادی

«همه می‌دانیم که بر جرارد دو دست
است که صدا دارد اما با یک دست هم
صدا دارد»^۱ دن کوئن

یادداشت مترجم

جرارد دیوید سالینگر (۱۹۱۹-۲۰۱۰) در یکم ژوئن ۱۹۱۹ در خانواده‌ای
یهودی و متحول در منهتن به دنیا آمد و بیش از نیم قرن در شهر کوچک
کورنیش نیوهمپشایر ایالت متحده ای آمریکا زندگی کرد.

پس از گذراندن مدرسه، دو سال در آکادمی ویلی فورج میلیتری^۲ درس
خواند، سپس در هجده یا نوزده سالگی ۵ ماه به اروپا گذراند و در سال هم
در دانشگاهی اورسینوس^۳ و دانشگاه نیویورک درس خواند. همکلامی‌هایش
همیشه از هوش ذاتی او در بدنه گویی سخن می‌گفتند. در آغاز جوانی عاشق
و شیفته‌ی اونا اوئیل^۴ شد و هر روز برای او نامه می‌نوشت اما بعدها با شنیدن
خبر ازدواج او با چارلی چاپلین^۵ که از او بسیار بزرگتر بود، دست‌شوک شد.

Jerome David Salinger ۱

Cornish, NH ۲

Valley Forge Military Academy یک مدرسه‌ی پیش دانشگاهی در ایالت ۳

پennsylvania

Ursinus College دانشگاهی خصوصی هنرهای آزاد است که در سال ۱۸۶۹ در ۴
شهر فیلادلفیای آمریکا تأسیس شد.

O'Neil, Dona (۱۹۲۵-۱۹۹۱) دختر نرینه‌ای معروف به جین اوئیل و چهارمین ۵
و آخرین همسر چارلی چاپلین.

Charles Chaplin (۱۸۸۹-۱۹۷۷) کمدین، کارگردان و فیلمساز فیلم‌های صامت، ۶
وی در تاریخ فیلم‌سازی سینما دارای جایگاهی ویژه است. کارش را از کودکی آغاز کرد و

در سال ۱۹۳۹ در کارگاه داستان‌نویسی ویت بورنت^۱ در دانشگاه کلمبیا شرکت کرد. در سن بیست و یک سالگی در مجله‌ی ادبی داستان^۲ شروع به کار کرد و سپس به جنگ نورمندی اعزام شد، که هم قطارانش همواره شجاعت و دلاوری‌اش را مثال زده‌اند. در سال ۱۹۴۵ با دکتری فرانسوی به نام سیلویا^۳ ازدواج کرد اما بعدها از او جدا شد. در سال ۱۹۵۵ با کلیر داگلاس^۴ دختر منتقد سرشناس آثار هنری رابرت لنگتون داگلاس^۵ ازدواج کرد که در سال ۱۹۶۷ از او نیز جدا شد. پس از آن عزلت گزید و به فلسفه‌ی بودا پناه برد. وی در ۲۷ ژانویه‌ی ۲۰۱۰ در منزلش در فانی را وداع گفت.

داستان‌های اولیه‌ی سلینجر در مجلاتی چون: داستان، سردی ایونینگ پست^۶ اسکایور^۷ و نیویورکریچ چاپ شد. اولین رمانش، ناتور دشت در سال ۱۹۵۱ منتشر شد و سبکی جدیدی را به ادبیات انگلیسی معرفی کرد. انتشار نه داستان در سال ۱۹۵۳ وی را محبوب مستعدان کرد زیرا قواعد قدیمی داستان کوتاه را بر هم زد و با تغییراتی جزئی سبکی جدید را بنا نهاد. با وجود آنکه در دهه‌ی ۶۰ در اوج شهرت بود، سکوت کرد اما بعد در سال ۱۹۶۱ کتاب فرنی و زویی^۸ را منتشر شد که مجموعه‌ی دو داستان بلند درباره‌ی خانواده‌ی گلس^۹ بود. آثار سلینجر عمدتاً در رابطه با خانواده‌ی گلس است. آخرین اثر انتشار یافته‌ی او در زمان حیاتش «۱۶ هیورث ۱۹۲۴»^{۱۰} بود که در سال ۱۹۶۵ منتشر شد.

تا یک سال پیش از مرگش ادامه داد که جمعاً حدود ۷۵ سال کار حرفه‌ای او شامل می‌شود. ۱. Whit Burnett (۱۹۰۰-۱۹۷۲) نویسنده و مدرس نویسندگی، جرمیس و ویرلستر

- مجله‌ی ادبی «داستان» بود. این مجله در دهه‌ی ۴۰ جایگاهی ویژه‌ای داشت.
- ۲ the Story Magazine
 - ۳ Sylvia
 - ۴ Claire Douglas
 - ۵ Robert Langton Douglas
 - ۶ Saturday Evening Post
 - ۷ Esquire
 - ۸ the New Yorker
 - ۹ Franny and Zooey
 - ۱۰ Glass
 - ۱۱ ۱۹۲۴ of Hawthorne

سلینجر پیرو مکتب بودای هند و آموزه‌های کتاب سری راماکریشنا بود که تأثیر بسزایی در نگارش داستان‌هایش داشت. در داستان تدی به طور مستقیم این عقاید را بیان می‌کند، آنجا که تدی از تناسخ و زندگی دوباره در بدنی جدید سخن می‌گوید و اشاره‌ای تلمیحی به فلسفه‌ی بودا از طریق پوست پرتقال و زنجره. شاهدی دیگر بر این مدعا جمله‌ایست که سر دفتر مجموعه‌ی نه داستان‌است. این جمله یکی از سوالات چالش برانگیز زن کوئن^۱ است. در تعالیم بودا سولاتی از نوآموزان پرسیده می‌شود که هدف آن هدایت آنها به سطحی از دانش و نبوغ شهودی است. این سوال و جواب‌ها را زن کوئن می‌نامند.

علاوه بر سطرهای این بودا موضوعاتی همچون مرگ، جنگ، جوانی، عقل و جنون، عشق و خاطره در داستان‌های سلینجر به چشم می‌خورد. در تمامی داستان‌هایش ردپای مرگ دیده می‌شود: سیمور و تدی مرگی غم‌انگیز و هولناک دارند. مرد خندان می‌میرد، پسر اسم، والت عشق حقیقی الویز و مادر دامیر اسمیت مرده‌اند.

نه داستان سلینجر را می‌توان به عنوان واکنشی به جنگ جهانی دوم تلقی کرد. به زندگی‌های پس از جنگ و تأثیری که جنگ بر این زندگی‌ها و انسان‌های درگیر آن داشته است؛ مانند ضربتی روحی مسموم پس از جنگ. در «پیش از جنگ با اسکیموها» عنوان داستان نیز معنای عدم برقراری صلح و امکان وقوع جنگ را القای کند.

یکی دیگر از ویژگی‌های سبک نگارش سلینجر اشاره به شخصیت‌های تلویزیونی، سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی، آثار هنری و هنرمندان است.

داستان «روزی خوش برای صید سوز ماهی» اولین بار در سال ۱۹۴۸ در مجله‌ی نیویورکر چاپ شد. این داستان یک تراژدی است که با یک شوک به پایان می‌رسد. جمله‌ی آخر داستان خوانندگان را مات و مبهوت وامی‌گذارد

^۱ The Gospels of Sri Ramakrishna یکی از کتب مذهبی و عرفانی هند به زبان بنگالی که مجموعه گفتگویی است میان راماکریشنا و مریدان و ملاقات کنندگانش.

و نویسنده هیچ گونه تفسیری برای رهایی خوانندگان ارائه نمی‌دهد. این مسأله خواننده را بر این می‌دارد که قطعات پازل را در ذهنش کنار هم بگذارد و به علت عمل سیمور پی ببرد. قطعاتی مانند اشاری مادر زنش به «کارهای مسخره با درختان» و «صحبت‌هایش با مادر بزرگ درباره‌ی برنامه‌ی مردنش» که نشان‌دهنده‌ی تلاش‌های پیشین سیمور برای خودکشی است. صحبت‌های سیمور در مورد خالکوبی‌اش و رنگ لباس شنای سیل نیز نشان می‌دهد که او ذهنی بیمار و متوهم دارد. گذشته از این‌ها سلینجر او را ورای این توهمات، فردی دانا و عاقل معرفی می‌کند. داستان موز ماهی‌های درون حفره می‌تواند استعاره‌ای از انسانیت و انسان گیر افتاده در حفره‌ی موز ماهی خویش؛ به خصوص انسان پس از جنگ باشد. سلینجر نه تنها در این داستان، بلکه در داستان تدی، داستان یابانی‌های مجموعه، نیز مرز باریک میان عقل (نبوغ) و جنون را به تصویر کشیده است. سیمور یکی از فرزندان خانواده‌ی گلس است، خانواده‌ای که فرنی و زویس نیز از آن هستند. او فردی با نبوغی غیر طبیعی، فکور و داناست که بر خلاف زن و مادر زنش به فرهنگ مادی گرایی آمریکا علاقه‌ای ندارد.

«عمو و یگیلی در کالکیتی کات» تنها داستان کوتاه سلینجر است که به تصویر در آمده است. این داستان نیز مانند داستان روزی خوش برای صید موز ماهی سلینجر از طریق به تصویر کشیدن گفتگوی میان دو زن، در رابطه با گذشته و غیبت از دوستانشان، به مبارزه با فرهنگ مادی گرایی آمریکا پرداخته است. وی با پرداختن به ناراضی‌های الویز از ازدواجش با لئونگل و حیرتش برای روزهایی که با والنت گلس دوست دوران جوانی‌اش گذرانده است، عاقبت ازدواج را به چالش می‌کشد و افسوس الویز را بر روزهای از دست رفته‌ی جوانی نشان می‌دهد.

جوانی یکی از مضامین اصلی داستان‌های سلینجر است و در اینجا از دوره‌ی میان‌سالی دو زن به دوره‌ی نوجوانی دو دختر در داستان «پیش از جنگ با اسکیموها» نظری می‌اندازیم؛ دو جوان که سال‌های زیادی را برای

جبران اشتباهات (مطالبه‌ی پول از سنا توسط جنی) و تحقق آرزوهایشان پیش رو دارند. در این داستان باز هم مانند دو داستان پیشین به موضوع جنگ، روزگار پس از آن و تأثیر آن بر انسان‌ها پرداخته می‌شود. فرانکلین به جنگ با اسکیموها اشاره می‌کند که شاید همان جنگ با کره‌ی شمالی باشد. او به این مسئله اشاره دارد که جنگ‌ها به پایان نمی‌رسند؛ درست است که جنگ جهانی دوم به پایان رسیده است اما این به معنای برقراری صلح نیست و همیشه جنگی در پیش است.

داستان مرد خندان ترتیب زمان و مکان را که در داستان‌های قبل رعایت می‌شد، برهم زد و بیشتر از داستان‌های دیگر این مجموعه شکل داستانی «روزی روزگاری در غرومی» را دارد. داستان از زاویه دید اول شخص از زبان کودکی ۹ ساله روایت می‌شود که آگاهی کمی از روابط بزرگسالان دارد. سرپرست برای گریختن از توضیح رابطه‌اش با مری هادسون به روایت داستان مرد خندان به شکلی جادویی تلاش می‌کند و هنگامی که رابطه‌اش با او برهم خورد، مرگ غم‌بار مرد خندان نیز فرا رسید.

داستان «درون قایق کنار اسکله» به رمزگشایی ذهن یک کودک توسط مادرش می‌پردازد. برای دستیابی به این منظور نویسنده می‌بایست با قواعد لیونل بازی کند و داستان با پیروزی لیونل پایان می‌پذیرد.

داستان «برای اسم با عشق و پلشتی» پیش از داستان‌های دیگر وی به بررسی و حل‌الجی نیاز دارد، زیرا داستانی در سبک مدرنیسم است. داستان در دل خود داستانی عاشقانه و نه لزوماً رمانتیک دارد، درباره‌ی رابطه‌ی حیاتی میان یک سرباز و یک دختر جوان که در آغاز به صورت نوعی معاشرت اجتماعی نمایش داده شده است.

دنیای کل داستان «نوشین دهان و سبزینه چشم» برهمه‌ی مسائل و اتفاقات احاطه ندارد. فقط آنچه را که می‌بیند و می‌شنود، می‌داند. از آنجا که داستان حول موضوع دروغ می‌چرخد و بر رمز و راز است دانش نسبی راوی اهمیت ویژه‌ای دارد. داستان همسری بی‌وفا که در خلال گفتگوی دو مرد بازگو

می شود. و در پایان داستان آرتور با گفتن دروغی برای رهایی‌دن لی از نگرانی، به یک قهرمان تبدیل می شود.

سلینجر «دوران غمگسار دامیر اسمیت» را به گونه ای مبهم به رشته ی تحریر در آورده است. توصیفاتش نوعی تجلی از واقعهای مذهبی را در بر دارد، آنچه در مورد قدیس فرانسیس آسوزی می نویسد و بعد هم جمله ی «همه راهبها اند» این مدعا را ثابت می کند. اما آنچه در اینجا دارای اهمیت است این است که او بر هیچ مذهب و آیینی تأکید ندارد و داستان را از این حیث کمی مبهم روایت می کند. نکته ی اساسی در درک این داستان نوع نگاهی است که راوی به خواهر ایرما و دختر درون فروشگاه کالای پزشکی دارد. او خواهر ایرما را ندیده است و او را از طریق نقاشی اش می شناسد. دختر درون فروشگاه را نیز از قاب پنجره که مانند کابوی نقاشی است می بیند و آنچه او را به تعجب و ا می دارد دیدن موجودی همانند در قاب این نقاشی است. به عبارتی دیگر درک این مطلب که به یک نقاشی نگاه نمی کند بلکه حقیقتی جاندار را می بیند او را متعجب می سازد. این اتفاق چشم او را به انسانیت و سلطه ی انسان بر واقعیت باز می کند. او که از تمام مردم نیویورک بریده بود و خود را در مدرسه به همراه مدیر و همسرش حبس کرده بود و تنها راه ارتباطی اش با دنیای بیرون نامه های هنرجویان بود ناگهان حقیقت وجود انسان برش آشکار شد و تصمیم گرفت که خواهر ایرما را، حقیقتی جاندار را به حال خود بگذارد که سرنوشتش را انتخاب کند.

داستان «دانی» نیز مانند داستان موز ماهی پایانی تلخ و شوه کننده دارد. هر دو شخصیت دیدنی متفاوت به دنیا دارند. زنجره یا پوست پرتقال های تندی به سان موز ماهی های سیمور است. پوست پرتقال های شاور بر آب به نوعی زندگی درونی اشاره دارد که نتیجه اش نوعی نگرش شرقی و به ویژه بودایی است. و به مرگ و عادی بودن آن اشاره می کند. به اینکه پوست پرتقال ها روزی میوه هایی زنده بودند که اکنون روی دریای تیره شناور اند. اما مرگ تندی برخلاف مرگ سیمور پیش چشم خواننده رخ نمی دهد بلکه از روی شواهد

و صدای جیغ یک دختر بچه دانسته می‌شود. سلیتجر خواننده را با حدس و گمان هایش رها می‌کند، او حتی مطمئن نیست که صدای جیغ متعلق به بوبر بوده باشد.

و اما در ترجمه‌ی این اثر تلاش مترجم بر این بوده است که با توجه به سبک داستان‌نگاری سلیتجر و لحن بیان هر داستان که در برخی موارد مانند داستان مرد خندان و برای اسم با عشق و پلشتی دارای دو لحن روایی بوده است - لحن مناسب و نزدیک به اثر را اتخاذ کند و گاه برای برخی شخصیت‌ها نیز از بیانی کمی غیر رسمی تر از دیگران استفاده کرده است؛ مانند سائدرادر داستان «درون قابی کنار اسکله». ترجمه‌ی این اثر نه ترجمه‌ای کاملاً آزاد و نه کاملاً تحت اللفظی است بلکه با توجه به ظرفیت و قابلیت زبان فارسی و هم‌نشینی کلمات و اصطلاحات در فارسی، ترکیبی از این دو است. و اما در برخی موارد مانند پاراگراف‌های آغازین داستان «برای اسم با عشق و پلشتی» ترجمه‌ای کم و بیش معنایی اتخاذ شده است. امید است مورد قبول و توجه شما خوانندگان زیباباستند و فرهیخته‌ی فارسی زبان قرار گیرد.

آسیه شهبازی

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۳

شیراز